



روزنه امید در اوج ناامیدی؛

## دو خواهر هراتی با هزینه شخصی کارگاه آموزش خیاطی راه‌اندازی کرده‌اند



پس از سقوط رژیم دور قبلی طالبان و روی کار آمدن نظام جمهوری در افغانستان، حضور زنان در سیاست، اقتصاد و اجتماع بیشتر شد و به مرور زمان، زنان زیادی در افغانستان توانستند از لحاظ برابری و کار به‌ویژه در بزرگ‌شهرهای کشور جایگاه مناسبی را اشغال کنند. در اواخر دوره جمهوری حضور زنان در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کار در اداره‌های دولتی به گونه گسترده‌ای افزایش یافته بود...

۵



## بحران حقوق بشری در افغانستان؛

# ریچارد بنت اقدام‌های طالبان را جنایت علیه بشریت خواند

۳ صفحه

بی‌سرنوشتی خبرنگار نایب‌ای افغانستان در ایران؛  
ننگیالی: نهادها و کشورهای حامی  
فراموشم کرده‌اند

۶

## در یازده ماه گذشته اجساد ۴۷۰ مهاجر افغان از ایران به ولایت نیمروز انتقال داده شده است

۸ صبح، نیمروز: منابع از ریاست مهاجران طالبان در نیمروز می‌گویند که در یازده ماه گذشته اجساد ۴۷۰ مهاجر افغان که در ایران کشته شده‌اند، به این ولایت منتقل شده است. منابع در ریاست امور مهاجران نیمروز روز شنبه، ۱۳ حوت، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در مورد هویت اجساد و این که آیا زنان و کودکان نیز شامل آنان بوده‌اند یا خیر چیزی گفته نشده است. پیش از این نیز روزنامه ۸ صبح به نقل از منابع خود در نیمروز گزارش داده بود که در ماه جدی ۴۵ و در ماه دلو ۵۵ جسد از مهاجران افغان که در رویدادهای مختلف در ایران کشته شده‌اند، به نیمروز انتقال داده شده است. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان که در بخش‌های مرزی افغانستان فعالیت می‌کند، هنوز در این مورد ابراز نظری نکرده است. از انتقال اجساد صدها پناهجوی افغان از ایران به افغانستان در حالی خبر داده می‌شود که اعتراضات مردمی در پنج ماه اخیر در ایران به شدت از سوی نیروهای نظامی این کشور سرکوب شده است. گزارش‌هایی از شرکت شهروندان افغان نیز در این اعتراضات نشر شده است.



واشنگتن پست:

## با تسلط طالبان هزاران پرونده طلاق زنان باطل شده است



۸ صبح، کابل: واشنگتن پست در تازه‌ترین گزارش از افغانستان به پرونده‌های طلاق زنان در حکومت پیشین پرداخته و گفته است که با تسلط طالبان هزاران پرونده طلاق از سوی این گروه باطل اعلام شده است. بر بنیاد این گزارش که روز شنبه، ۱۳ حوت، نشر شده است، طالبان با تغییر قوانین ازدواج جان هزاران زن طلاق گرفته را با خطر روبه‌رو کرده‌اند. بر پایه اطلاعات نشر شده، قاضیان و وکلای مدافع پیشین افغانستان تخمین زده‌اند که هزاران زن افغان که بدون رضایت شوهران‌شان در حکومت پیشین طلاق گرفته‌اند، در حال حاضر با خطر زندانی شدن و انتقام‌جویی روبه‌رو هستند. قاضیان پیشین افغانستان گفته‌اند که طلاق یک‌طرفه در حکومت پیشین عمدتاً به زنانی داده می‌شد که از شوهران بدخوی، از جمله افراد معتاد به مواد مخدر، جدا می‌شدند. گزارش حاکی از آن است که با تسلط طالبان و لغو قوانین ازدواج در حکومت پیشین، بخش دیگری از حقوق زنان توسط طالبان نقض شده است.

## ۱۳۷ افغان از زندان کراچی پاکستان آزاد شدند

۸ صبح، کابل: سفارت افغانستان در اسلام‌آباد که از سوی طالبان مدیریت می‌شود، گفته است که ۱۳۷ تن از شهروندان افغانستان به شمول زنان و کودکان از زندان کراچی آزاد شده‌اند. سفارت طالبان در پاکستان روز شنبه، ۱۳ حوت، اعلام کرده است که قرار است افراد آزاد شده از گذرگاه چمن به افغانستان منتقل شوند.

۶ صفحه

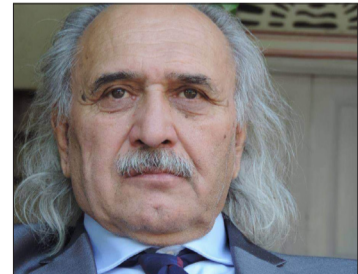
## قوانینی که از هتler برای طالبان یادگار مانده است



۷ صفحه

## دیداری با پیر روشنی فروش

به کوه که نگاه می‌کنم، در شکوه بلند او گم می‌شوم. نسیمی با زمزمه غریبی از کنارم می‌گذرد. یک لحظه حس می‌کنم که کسی در آن دوره‌های دور، در بلندای کوه نشست و سال‌های درازی است...



## ساخت دو باب مکتب در خوست از سوی سازمان ملل



۸ صبح، کابل: در آستانه شروع سال جدید آموزشی در افغانستان، کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان از ساخت دو مکتب در ولایت خوست خبر داده است. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان روز شنبه، ۱۳ حوت، در رشته توییت‌هایی گفته که این دو مکتب در روستای قلموال مینه ولایت خوست ساخته شده است. مکتب‌های تازه ساخته شده به دانش‌آموزان دختر و پسر خانواده‌های بازگشت‌کننده افغان اختصاص داده شده است. کمیساریای عالی سازمان ملل در امور پناهنده‌گان در حالی از ایجاد دو مکتب در خوست خبر داده است که طالبان هنوز برای بازگشت دانش‌آموزان دختر به مکتب در سال جدید آموزشی تصمیم نگرفته‌اند. پس از ممنوعیت‌های آموزشی بر دختران در افغانستان، شهروندان این کشور و جامعه جهانی انتظار دارند که طالبان درب مکتب را به روی دانش‌آموزان دختر در سال جدید آموزشی باز کنند.



## دروغ امنیت طالبانی

در یک‌ونیم سال گذشته بسیار تبلیغ شده که جنگ پایان یافته و امنیت سراسری در کشور تامین شده است. مردم نیز گاه از آرامش راهها و سکوت میله‌های تفنگ صحبت می‌کنند. پوتیورها به مناطق دورافتاده و گوشه‌های مختلف وطن سر می‌زنند و تعدادی از شایقان گشت‌وگذار و توریست‌ها هم عکس سفر خود به ولایات را نشر می‌کنند؛ اما در کنار این تصویر به‌ظاهر ساکت و آرام وطن، چهره دیگری نیز از کشور وجود دارد که پر از آشوب و ناامنی است. طالبان با اعمال سیاست‌های تبعیض‌آمیز، تمام اقشار غیرطالب را در ناامنی جسمی و روانی قرار داده اند. آنان تحصیل کرده‌گان غیرطالب، شهرنشینان و آثانی را که در نظام جمهوری اسلامی کار و زنده‌گی کرده‌اند، منزوی ساخته و به‌طور بالقوه مستحق پی‌گرد معرفی کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که گروه بزرگی از ساکنان کشور با این خوف زنده‌گی می‌کنند که شاید روزی شکنجه یا کشته شوند. تبعیض و محرومیت بخش بزرگ جامعه، به‌خصوص زنان را گرفتار حس مرگ تدریجی کرده است. میلیون‌ها انسان دچار ناامنی روانی شده‌اند، تعدادی کشور را ترک کرده، برخی انزوا اختیار کرده و دیگران به محافظه‌کاری و سکوت پناه برده‌اند.

طالبان در این مدت هزاران تن را در سراسر کشور شکنجه کرده و کشته‌اند. عکس و ویدیوی تن‌های کوفته و سیاه‌شده قربانیانی که طالبان آنان را از خانه گرفتار کرده و چند روز بعد جسدشان را به خانواده‌ها تحویل می‌دهند، چنان به تکرار و بسیار نشر شده است که دیگر چندان حساسیت خلق نمی‌کند. از جمله دیروز خبر مرگ میرویس نورزایی، نظامی پیشین، در هرات نشر شد. گزارش شده است که آقای نورزایی را چهار روز قبل از آن که جسد شکنجه‌شده‌اش را به خانواده تسلیم دهند، طالبان بازداشت کرده بودند. در این موارد، خانواده‌ها با اشک و ناله و بدون آن که مرجعی برای شکایت داشته باشند، عزیزشان را به خاک می‌سپارند. هزاران فردی که در این یک‌ونیم سال به این شیوه کشته شده‌اند، به دلیل آن که مقاومتی نداشته‌اند، با سکوت بازداشت شده و در جایی دور از انظار عمومی شکنجه و کشته شده‌اند؛ بی‌آنکه زنده‌گان شاهد فریادشان باشند یا صدای مرمی و شلاق را شنیده باشند. لذا ناامنی تک‌تک این هزاران فرد و خانواده‌هایشان در سکوت استبدادی حاکم بر ظاهر جامعه، نادیده می‌ماند. تعداد زیادی از این هم‌وطنان در گورهای نامعلوم، با عنوان اجساد ناشناس دفن می‌شوند. طالبان این کشتار را پنهان نمی‌کنند و از آن برای ارباب مردم استفاده می‌کنند. ماه گذشته شاروالی کابل احصاییه داد که در جریان سه ماه، ۱۴۴ جسد ناشناس را دفن کرده‌اند. اگر حساب اجساد را که به خانواده‌ها تحویل می‌دهند و آثانی را که به دست شاروالی نرسیده در گورهای نامعلوم دفن شده‌اند، بر این رقم بیفزاییم، نفوس کلانی می‌شود. آن‌گاه اگر قربانیان کل کشور را بشماریم، احتمالاً تلفات مردم در زیر شکنجه و ستم طالبان روزانه به ده‌ها تن می‌رسد.

این حوادث در گزارش‌های مفصلی که نهادهای بین‌المللی نشر می‌کنند، به‌صورت شایسته انعکاس نمی‌یابند. در دومین گزارش ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر برای افغانستان که ماه گذشته نشر شد، چهره قربانیان محو است و صدای فریاد و رنگ خون آنان در متن گزارش به چشم نمی‌خورد. آن‌جا سخن از کلیات و ستم‌های جمعی طالبان است. البته، طالبان به گزارش‌های حقوق بشری، اعتراضات مردم و واکنش جهانی هیچ وقعی نمی‌گذارند و از روزی که آمده‌اند، حقوق بشر را در برابر شریعت قرار داده و با آن آشکارا می‌جنگند و با حرکت‌های نمادین، ارزش‌ها و نهادهای حقوق بشری را از دایره «مارت» بیرون پرتاب می‌کنند. از جمله به‌تازگی دفتر ولایتی کمیسیون حقوق بشر بدخشان را به مدرسه بدل کرده‌اند. با دیگر دفاتر این کمیسیون نیز برخورد بهتر از آن نداشته‌اند. وزارت امور زنان را هم در همان اوایل با اقدام نمادین به مرکز مبارزه علیه زنان و آزادی (وزارت امریه‌معروف و نهی‌ازمنکر) بدل کردند.

امنیت طالبانی مثل تغییر طالبان دروغ تبلیغاتی است. گروهی که مهارت اصلی‌اش ترساندن، اذیت، شکنجه و کشتار است، بر کشور حاکم شده و به‌صورت مستمر وحشت و ناامنی خلق می‌کند.

## اسکان در افغانستان و خلع سلاح؛ طرح طالبان به پاکستان برای مبارزه با تی‌پی



۸ صبح، کابل: مقام‌های طالبان در دیدار اخیر با هیات پاکستان به رهبری خواجه محمدآصف، وزیر دفاع این کشور، طرحی را پیشنهاد کرده‌اند که براساس آن به اعضای تحریک طالبان پاکستان در نقاط مرزی افغانستان اسکان داده شده و خلع سلاح خواهند شد، اما به شرطی که اسلام‌آباد هزینه این طرح را بپردازد. اکسپرس تربون روز شنبه، ۱۳ حوت، به نقل از منابع خود گزارش داده است که طالبان و پاکستان در حال رای‌زنی در مورد این طرح هستند، تا به این ترتیب بر فعالیت‌های تی‌پی نظارت و به موضوع حملات تروریستی فراموشی رسیده‌گی کنند. بر بنیاد این گزارش، طالبان از پاکستان خواسته‌اند تا هزینه این طرح، به‌عنوان تنها گزینه عملی برای حل معضل تی‌پی را بپردازد. منابع به این رسانه گفته‌اند که سفر هیات پاکستان به کابل انتقال پیام روشن به طالبان افغانستان بود مبنی بر این‌که پاکستان دیگر به دنبال گفت‌وگو با تحریک طالبان پاکستان نخواهد بود؛ زیرا این گروه

از تلاش‌های صلح قبلی برای سازمان‌دهی مجدد و هدف قرار دادن پاکستان استفاده کرده است. در همین حال، گفته شده است، در صورتی که پس از اجرایی این طرح، تحریک طالبان پاکستان به حملات تروریستی فراموشی علیه این کشور ادامه دهد، ممکن است اسلام‌آباد به گزینه‌های دیگر از جمله به اعمال سیاست تعقیب و گریز متوسل شود. با این حال، توافق نهایی در مورد این طرح که بهترین راه‌حل احتمالی موجود برای مقابله با تهدید تی‌پی خوانده شده، صورت نگرفته است. این رسانه پاکستانی ادعا کرده است که در حال حاضر دست کم ۱۲ هزار جنگ‌جوی تی‌پی در خاک افغانستان حضور دارند. طالبان تا کنون در مورد این گزارش چیزی نگفته‌اند. گفتنی است که ادعا می‌شود، هیات پاکستان در سفر هفته گذشته به افغانستان شواهدی را دال بر حضور جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستان به طالبان افغانستان ارائه کرده است.

## سفارت افغانستان در ایتالیا: ۳۲ تن از سرنشینان قایق غرق شده، افغان هستند

۸ صبح، کابل: پنج روز پس از آن که قایق حامل پناهجویان افغانستان، ایران و پاکستان در آب‌های ایتالیا غرق شد، اکنون سفارت افغانستان در این کشور گفته است که ۳۲ تن از قربانیان این رویداد افغان هستند.

سفارت افغانستان در روم روز شنبه، ۱۳ حوت، در اعلامیه‌ای گفته است که شمار دیگری از شهروندان افغانستان در این رویداد زخمی شده‌اند.

در اعلامیه سفارت آمده است که احتمالاً حدود ۱۸۰ تن در قایق غرق شده در سواحل ایتالیا حضور داشته‌اند که تا کنون دست‌کم ۶۷ جسد دریافت شده است.

اجساد قربانیان از سوی خانواده‌هایشان شناسایی و تثبیت شده و آنان اجازه داده‌اند تا شماری از اجساد در گورستان شهر کروتون دفن شود.

در پی این رویداد ۵ شهروند افغانستان در شفاخانه بستری هستند و ۷۲ تن از پناهجویان افغان با بازمانده‌گان قربانیان در مرکز مهاجرت کروتون جابه‌جا شده‌اند.

خالد احمد زکریا، سفیر افغانستان در ایتالیا، گفته که در دیدار با مقام‌های وزارت امور خارجه ایتالیا بر تسریع تحقیقات در مورد این رویداد تأکید کرده است.

گفتنی است که در ۸ حوت ماه جاری قایق بادی حامل پناهجویان افغان در سواحل شهر کروتون در جنوب ایتالیا غرق شد. پیشتر طالبان اعلام کرده بودند که در این رویداد ۸۰ تن از پناهجویان افغان جان باخته‌اند.



## طالبان نزدیک به ۲۰ صرافی را در غزنی مسدود کردند

۸ صبح، غزنی: منابع محلی در غزنی می‌گویند که طالبان نزدیک به ۲۰ مرکز تبادل اسعار یا صرافی را در مرکز این ولایت مسدود کرده‌اند. منابع محلی روز شنبه، ۱۳ حوت، به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که درب نزدیک به ۲۰ صرافی در مارکیت صرافی‌های شهر غزنی به دلیل تبادل کدالار پاکستانی از سوی طالبان بسته شده است.

منابع تأکید می‌کنند که مسدود شدن این مراکز مشکلاتی را در دادوستد پولی میان بازرگانان این ولایت به‌وجود آورده است. صرافان در غزنی این اقدام طالبان را غیرقانونی می‌دانند و تأکید دارند که براساس جواز فعالیت‌شان حق دارند در بخش تبادل پول کار کنند.

طالبان در حالی دست به این اقدام زده‌اند که هم‌اکنون در بیشتر ولایت‌های جنوبی و جنوب‌شرقی افغانستان، کدالار پاکستانی پول رایج بازارهای محلی است.



## طالبان دفتر ولایتی حقوق بشر در بدخشان را به مدرسه تبدیل کردند

حوت، این دفتر را طی یک مراسم ویژه، به مدرسه دینی برای دختران تبدیل کرده‌اند. ریاست امر به معروف و نهی از منکر طالبان نام مدرسه خود در دفتر حقوق بشر را «مدرسه ام‌المومنین عایشه صدیقه» گذاشته‌اند. قرار است در این مدرسه، ۵۰۰ دانش‌آموز دختر آموزش‌های دینی فرا بگیرند. گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه چندین نهاد از جمله کمیسیون مستقل حقوق بشر را ملغا اعلام کرده است. این مدرسه دخترانه در حالی افتتاح می‌شود که گروه طالبان مکاتب و دانشگاه‌ها را به روی دختران بسته‌اند.



۸ صبح، بدخشان: منابع محلی در ولایت بدخشان می‌گویند که طالبان دفتر ولایتی کمیسیون حقوق بشر در این ولایت را به مدرسه دینی تبدیل کرده‌اند. منابع محلی می‌گویند که طالبان روز شنبه، ۱۳

## یک نظامی پیشین در هرات زیر شکنجه طالبان جان باخت

۸ صبح می‌گویند که طالبان چهار روز پیش میرویس نورزایی، نظامی پیشین را بازداشت کرده و پس از شکنجه زیاد کشته‌اند. یکی از نزدیکان وی در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که او توسط طالبان به قتل رسیده است. جسد میرویس نورزایی روز شنبه، ۱۳ حوت، در هرات به خاک سپرده شد.

گفتنی است که پس از تسلط طالبان بر کشور، این گروه همواره دست به بازداشت، شکنجه و در بسا موارد قتل نظامیان پیشین زده است.

این در حالی است که طالبان در آخرین مورد یک نظامی پیشین را در ولایت خوست پس از بازداشت به قتل رساندند.



۸ صبح، هرات: منابع محلی در ولایت هرات می‌گویند که یک نظامی پیشین پس از بازداشت توسط طالبان، زیر شکنجه این گروه جان باخته است. منابع روز شنبه، ۱۳ حوت، در صحبت با روزنامه



**گزارشگر ویژه حقوق بشر،  
وضعیت حقوق بشری در  
افغانستان را بحرانی و وخیم  
توصیف کرده و گفته است:  
«از زمان ارایه گزارش نخست  
تاکنون، بحران حقوق بشری در  
افغانستان وخیمتر شده است.  
موارد نقض سیستماتیک حقوق  
بشر زنان و دختران بیشتر از  
پیش افزایش یافته است.  
آزادی‌های بنیادی، به شمول  
حق اجتماعات و اعتراض‌های  
مسالمت‌آمیز، آزادی بیان و حق  
زنده‌گی و محافظت در برابر  
بدرفتاری با گذشت هر روز  
بیشتر پامال گردیده است.»**

کرده است. در این گزارش تذکر رفته که از آغاز سلطه طالبان در ۲۴ اسد ۱۴۰۰ به این سو حدود ۷۰۰ هزار تن در کشور وظایفشان را از دست داده‌اند و سکتورهای زراعت، خدمات ملکی و ساختمانی در مقایسه با سایر سکتورها، عمیقاً متاثر شده است.

بربنیاد این گزارش، بیشتر شهروندان افغانستان از حق داشتن غذای کافی و معیارهای زنده‌گی مناسب محروم نگه داشته شده‌اند و حدود ۱۸.۹ میلیون تن با عدم مصونیت غذایی حاد مواجه‌اند. در گزارش گفته شده که احتمال می‌رود این رقم به ۲۰ میلیون تن افزایش یابد و به این ترتیب بیش از ۹۰ درصد مردم افغانستان از عدم مصونیت غذایی رنج می‌برند. براساس یافته‌های این گزارش، وضعیت دسترسی به خدمات صحتی زیر سیطره حاکمیت طالبان به وخامت گراییده و سیستم مراقبت‌های صحتی فروپاشیده است. همچنان اشاره شده که دستگاه امر به معروف و نهی از منکر طالبان مانع تداوی بیماران زن از سوی داکتران مرد می‌شود که منتج به کمبودها و محدودیت در ارایه خدمات صحتی به زنان و کودکان شده است. در گزارش از مداخله طالبان در کارها و ممنوعیت زنان در نهادهای بشردوستانه نیز ابراز نگرانی شده است.

#### وضعیت اقلیت‌های مذهبی در افغانستان

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر، در گزارش تازه خود از وضعیت اقلیت‌های مذهبی در افغانستان نیز ابراز نگرانی کرده است. او نبود چهارچوب قانونی و حقوقی برای برخورد با اقلیت‌ها را نقض عمده دانسته و گفته است که این امر مشارکت اقلیت‌های قومی و مذهبی را در امور عامه و سیاسی شدیداً متاثر ساخته است. براساس این گزارش، از ۳۰ اگست ۲۰۲۱ تا ۳۰ سپتامبر ۲۰۲۲، حدود ۲۲ حمله علیه غیرنظامیان در افغانستان به ثبت رسیده است. در گزارش ریچارد بنت گفته شده که در این حمله‌ها دست‌کم ۳۳۴ تن کشته شده و ۶۳۱ تن دیگر زخمی شده‌اند.

در گزارش تصریح شده که از میان این حمله‌ها، ۱۶ حمله به شمول سه حمله که بالای مراکز آموزشی صورت گرفته، به گونه آشکار جمعیت هزاره را مورد هدف قرار داده که عمدتاً شیعه‌مذهب هستند. در این گزارش آمده است که طالبان با خانواده‌های قربانیان حمله بر مرکز آموزشی کاج بدرفتاری کرده و در برابر آنان از الفاظ تحقیرآمیز کار گرفته‌اند. در گزارش تصریح شده که طالبان مانع انتقال زخمیان به شفاخانه‌ها و پوشش خبری رسانه‌ها شده‌اند. افزون بر این‌ها، طالبان حدود ۳۰ دانشجوی متعلق به قوم هزاره را از دانشگاه کابل که قصد اشتراک در تظاهرات برای یادبود از قربانیان کاج را داشتند، اخراج کرده‌اند.

در این گزارش به نقل از صندوق وجهی سازمان ملل متحد آمده است که در ۲۵ نوامبر ۲۰۲۲ میلادی دست‌کم هشت غیرنظامی متعلق به قوم هزاره که چهار تن آنان کودک بوده‌اند، در ولایت دایکندی از سوی نیروهای طالبان کشته شده‌اند. براساس یافته‌های این گزارش، نشانه‌های شکنجه و اعمال فشار به روی اجساد آنان دیده شده است. در این گزارش گفته شده که شش تن از بسته‌گان قربانیان حادثه دایکندی تاکنون در زندان طالبان به سر می‌برند.

در گزارش آقای بنت، از وضعیت امنیتی اقلیت‌های قومی و مذهبی اهل هنود، سیک، مسیحی، جامعه احمدیه و اسماعیلیه نیز شدیداً ابراز نگرانی شده است. طبق این گزارش، برخی از مسیحیان و جامعه احمدیه از سوی طالبان تهدید و زندانی شده‌اند. افزون بر این، سیک‌ها نیز از آزاروآذیت در عبادتگاه‌شان در کابل، از سوی طالبان خبر داده‌اند. علاوه بر این، گزارشگر ویژه حقوق بشر به اطلاعاتی دست یافته که در آن وزارت معارف طالبان جامعه اسماعیلیه را «مرتد» اعلام کرده است. علاوه بر این، در گزارش گفته شده که طالبان در شهرهای عمدتاً فارسی‌زبان مانند هرات و مزارشریف، لوحه‌های دانشگاه‌ها را از فارسی به پشتو تبدیل کرده و سایر گروه‌های قومی را به حاشیه رانده‌اند.

در گزارش ریچارد بنت آمده که اجساد زنان در افغانستان دریافت شده است که نشانه‌هایی از تجاوز جنسی در آن‌ها دیده می‌شود. آقای بنت از جریان سفرش در افغانستان قصه‌هایی را نیز در این گزارش روایت کرده است. در بخشی از این گزارش آمده است: «دختر جوانی در روز روشن بدون هیچ‌گونه توضیح از سوی مقام‌های بالفعل [طالبان] گرفتار شده، سپس مورد تجاوز قرار گرفته و بعداً به خانواده‌اش برگردانده شده است. آن دختر احتمالاً در اثر ننگ و عاری که در برابر زنان و دختران قربانی تجاوز جنسی وجود دارد، دست به خودکشی زده است.»

در این گزارش گفته شده از زمانی که طالبان به قدرت رسیده‌اند تاکنون مرگ غیرطبیعی بیش از ۲۸۰ زن و کودک در رسانه‌ها بازتاب یافته است. براساس این گزارش، ۷۵ مورد قتل عمد ارتکاب یافته که ۱۳۰ مورد آن ناشی از جنگ‌ها و حملات انتحاری و بیش از ۲۰ مورد آن در نتیجه خشونت‌های خانوادگی بوده است. همچنان تصریح شده که از ۶۰ پرونده دیگر هیچ سرنخی ارایه نشده است. در این گزارش حدس زده شده که تعداد زنان و کودکان کشته شده بیشتر از موارد ارایه شده است. پیامدهای محدودیت‌های اعمال شده بر زنان، محدودیت‌های اعمال شده از سوی طالبان بر زنان، پیامدهای ناگواری بر دختران و زنان در افغانستان به‌جا گذاشته است. این محدودیت‌ها علاوه بر ایجاد بحران اقتصادی و بشری، باعث ازدواج‌های اجباری و ازدواج کودکان نیز شده است. افزون بر این، دختران و زنانی که از آموزش و تحصیل باز مانده‌اند، به افسردگی مبتلا شده‌اند و این امر منتج به خودکشی نیز شده است. در این گزارش گفته شده که رژیم طالبان بالای صحت روانی جامعه تاثیر جدی داشته و باعث ایجاد نامیدی و ناراحتی در زنان شده است.

گزارشگر ویژه حقوق بشر از پیامدهای جدی اقتصادی ممنوعیت کار زنان به‌شدت ابراز نگرانی کرده و گفته است که طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ اقتصاد افغانستان رکود ۳۰-۳۵ درصدی را تجربه کرده است.



## بحران حقوق بشری در افغانستان؛

# ریچارد بنت اقدام‌های طالبان را جنایت علیه بشریت خواند



امین کاوه

حقوق بشری در افغانستان وخیمتر شده است. موارد نقض سیستماتیک حقوق بشر زنان و دختران بیشتر از پیش افزایش یافته است. آزادی‌های بنیادی، به شمول حق اجتماعات و اعتراض‌های مسالمت‌آمیز، آزادی بیان و حق زنده‌گی و محافظت در برابر بدرفتاری با گذشت هر روز بیشتر پامال گردیده است.»

گزارشگر ویژه حقوق بشر در گزارش خود از اعمال مجازات سخت توسط طالبان نیز یاد کرده و گفته است که این گروه در جریان سال روان میلادی «۱ حد و ۲ قصاص» را اجرا کرده‌اند که به گفته او، دلالت بر احیای سیاست‌های دهه ۹۰ میلادی این گروه می‌کند.

#### وضعیت زنان در افغانستان

ریچارد بنت در این گزارش گفته است که نقض آشکار حقوق زنان در افغانستان از شدیدترین موارد نقض حقوق بشری در جهان است. او در گزارش خود آورده است: «دستورهای اخیر مبنی بر ممنوعیت زنان و دختران از هر گونه تحصیلات فراتر از سطح ابتدایی، دسترسی به پارک‌ها، کلبه‌های ورزشی و حمام‌های عمومی و کار در موسسه‌های غیردولتی، نقض آشکار حقوق زنان را که از قبل شدیدترین موارد در سطح جهان به شمار می‌روند، متبازتر می‌سازد.»

آقای بنت در این گزارش افزوده است: «چشم‌پوشی از تبعیض در مورد حقوق اساسی زنان و دختران را می‌توان معادل آزاروآذیت جنسیتی و جنایت علیه بشریت تلقی کرد. نقض حقوق زنان و دختران به‌صورت عموم، خطر خشونت و سوءاستفاده را افزایش بخشیده و بر صحت جسمی و روانی آن‌ها پیامدهای ناگواری برجا می‌گذارد.»

گزارشگر ویژه حقوق بشر با ابراز نگرانی عمیق از افزایش میزان خشونت جنسی و جنسیتی علیه زنان و دختران، تاکید می‌ورزد که مدافعان حقوق بشر که علیه گسترش محدودیت‌ها در برابر زنان و دختران اعتراض مسالمت‌آمیز می‌کنند، با خطر بیشتری روبه‌رو می‌شوند و به‌طور فزاینده‌لت و کوب و بازداشت می‌شوند. در این گزارش گفته شده که طالبان زنان و دختران را به دلیل اعتراض‌هایشان مجازات می‌کنند.

وضعیت حقوق بشر در افغانستان به یکی از مباحث محوری نهادهای بین‌المللی حقوق بشری تبدیل شده است. طالبان در جریان ۱۹ ماه گذشته به‌شکل گسترده حقوق بشر را در کشور نقض کرده‌اند. این گروه همه آزادی‌های مدنی و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را ممنوع کرده است. طالبان از آغاز سلطه مجدد بر کشور تاکنون بیش از ۲۰ فرمان ضد زن صادر کرده‌اند که حضور سیاسی و اجتماعی زنان را در افغانستان محدود و ممنوع کرده است. در تازه‌ترین مورد ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر در امور وضعیت حقوق بشری در افغانستان، گزارش سالانه‌اش را برای پنجاه‌ودومین نشست شورای حقوق بشر آماده کرده است. این گزارش که موارد نقض حقوق بشری بین جولای تا دسامبر ۲۰۲۲ میلادی را در بر می‌گیرد، وضعیت حقوق بشری در افغانستان را وخیم و بحرانی توصیف کرده است. براساس این گزارش، حدود شش میلیون شهروند افغانستان آواره شده‌اند و اقلیت‌های مذهبی و گروه‌های قومی به‌شدت با تبعیض و حذف سیستماتیک مواجه‌اند.

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل متحد، قرار است گزارش سالانه‌اش درباره وضعیت حقوق بشر در افغانستان را در نشست سالانه شورای حقوق بشر ارایه کند. به گفته بنت، این گزارش بر مبنای مشاهدات و معلوماتی به دست آمده که در جریان دومین سفر وی به افغانستان به آن دست یافته است. براساس این گزارش، آقای بنت پس از سفر به کابل با مدافعان حقوق بشر، نهادهای جامعه مدنی و سایر دست‌اندرکاران دیدار کرده و گزارش‌های منتشرشده از سوی منابع معتبر به‌ویژه نهادهای سازمان ملل متحد، اتاق‌های فکری، نهادهای علمی، آموزگاران و موسسه‌های غیردولتی را مرور کرده و در مورد این گزارش با آنان صحبت کرده و برای تصدیق معلومات به دست آمده اقدامات لازم را انجام داده است.

گزارشگر ویژه حقوق بشر، وضعیت حقوق بشری در افغانستان را بحرانی و وخیم توصیف کرده و گفته است: «از زمان ارایه گزارش نخست تاکنون، بحران

# چرا جریان‌های ایدیولوژیک از «کتاب» می‌ترسند؟

مهران موجد



**افراطی‌های ایدیولوژیک همواره در تلاش‌اند فضایی مینیمالیستی ایجاد و از مخالفان خود چهره‌ای کاریکاتوری و هیولایی ترسیم کنند. آن‌ها با این کار می‌خواهند پیروان خود را قناعت دهند که افکار و اندیشه‌های مخالفان، ارزش مطالعه و هدر دادن وقت را ندارد. در گفت‌وگو با بنیادگرایان، دشمن حضور همیشه‌گی دارد. بنیادگرایان می‌دانند که تنها با توسل با غیریت‌سازی و ترسیم تصویری زشت از مخالفان یا همان دشمنان، قادر خواهند بود که احساسات و عواطف پیروان را تحریک کنند و فاصله میان خود و رقیبان را بیشتر سازند.**

کنند. افراد کتاب‌خوان، توانایی بیشتری برای سنجش‌گرانه‌اندیشی دارند و می‌توانند به طور همزمان به هر موضوع از زوایای دید مختلف نگاه کنند. این مهارت‌ها، مهارت‌های بارز است و ما را برای زیستن در جهان پیچیده امروز یاری می‌رساند. اشخاصی که کتاب‌های متنوع را مطالعه کنند و دارای تفکر انتقادی باشند و بتوانند به پیرامون خود از زاویه‌های گوناگون نگاه کنند، بسیار بعید است که به دام جزئیات ایدیولوژیک گرفتار شوند. جزم‌گرایان و ایدیولوژی‌پرستان، از هر نحله و طایفه‌ای که باشند، هرگز نمی‌توانند با چنین اشخاص رابطه صمیمانه و دوستانه برقرار کنند. جریان‌های تمامیت‌گرا تفکر را منفی با عمل و مبارزه و افراد کتاب‌خوان را افرادی منزوی و بیگانه با جامعه می‌شمارند و با آن‌ها دشمنی می‌ورزند و حضور آنان را در جامعه، خطری برای خود قلمداد می‌کنند و با توسل به شگردهای مختلف، سعی می‌کنند آنان را از میدان بیرون کنند. گاهی با توسل به تبلیغات و زمانی هم با به‌کارگیری نیروی فزیک، با جدیت کوشش می‌کنند صدای افراد کتاب‌خوان را خاموش کنند. افراطی‌ها درک کرده‌اند که در فضایی که تفکر انتقادی و کثرت‌گرایی حاکم باشد، در درازمدت ایدیولوژی، متاعی بی‌خریدار خواهد بود.

در درازنای تاریخ و در تمدن‌های مختلف، مقابله با کتاب از جمله اقدام به سوزاندن آن با آتش کامیاب وجود داشته است. این کار براساس انگیزه‌های متفاوت صورت گرفته است. با این‌همه، آن چه مسلم است این است که مبارزه بی‌امان با کتاب و از جمله اقدام به سوزاندن آن، بیان‌گر اهمیتی است که کتاب در دگرگون‌سازی سرنوشت ملت‌ها دارد. اگر کتاب چیز بی‌اهمیت می‌بود، چه نیازی به این‌همه کوشش برای نابودسازی آن احساس می‌شد. این نکته هم قابل تذکر است که در حال حاضر، رژیم‌های سیاسی و ایدیولوژیک می‌کوشند که راه‌های کم‌هزینه‌تر و بی‌سروصداتر را برای از بین بردن کتاب جست‌وجو کنند. مثلاً این رژیم‌ها آن‌چنان خفقان و فشار را بر دگراندیشان افزایش می‌دهند که آنان را ناگزیر به خودسانسوری می‌سازند. به نظر من، خودسانسوری ویران‌گرتر از اعدام کتاب است. خودسانسوری ایده‌ها و افکار را در نطفه خنثا می‌کند و اصلاً فرصتی برای طرح آن ایده‌ها نمی‌دهد. این درحالی است که اعدام کتاب به معنای از میان رفتن همه نسخه‌های آن کتاب نیست. افزون بر آن، اقدام رژیم‌های سیاسی یا گروه‌های ایدیولوژیک برای نابودسازی کتاب، احتمال دارد نتیجه معکوس دهد و آتش اشتیاق را در دل خواننده‌گان شعله‌ورتر کند و این امر سبب شود که آن‌ها کتاب یادشده را به هر قیمتی به دست آورند و بخوانند.

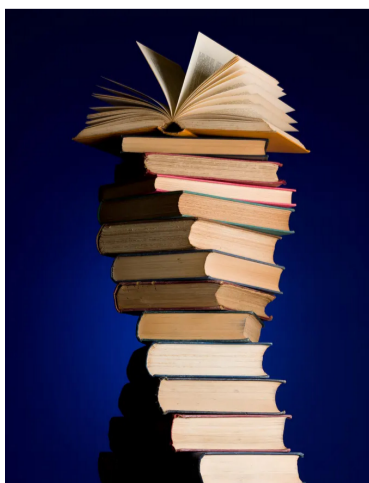
شنیدن رادیوی بی‌بی‌سی جرم تلقی می‌شده است. همین‌طور مجاهدین با اشخاصی که کتاب‌های «غیراسلامی» را می‌خوانند با زشتی و خشونت برخورد می‌کرده‌اند. اصلاً آیا کسی که در آن دوران در قلمرو مجاهدین زنده‌گی می‌کرد، جرأت داشت که کتاب‌های مارکسیست-لنینیست‌ها را با خود نگه دارد؟ بدون شک خلق فضایی که به تعصب و جزم‌گرایی دامن می‌زند به رادیکال‌ها کمک می‌کند تا بی‌درد سر به ترویج ایده‌های مورد نظرشان دست یازند.

علی‌اصغر سیدآبادی، نویسنده ایرانی کتاب کودک، در جایی نوشته است که مطالعه سرگذشت تروریستان این واقعیت را به کرسی می‌نشانند که آن‌ها در کودکی و نوجوانی هرگز کتاب نمی‌خوانده‌اند و به‌ویژه به مطالعه شعر و داستان علاقه نداشته‌اند. به گفته او، ژورنالیستانی که در خصوص گذشته تروریستان تحقیق کرده‌اند از همه چیز سخن زده‌اند، ولی هیچ وقت ندیده‌ام که از اشتیاق تروریستان به کتاب‌خوانی سخنی به میان آورده باشند. ممکن است تروریستی، در کودکی و نوجوانی دانش‌آموز زنده باشد، اما بعید است که به شعر و رمان علاقه‌مند باشد و باهم به اعمال تروریستی روی بیاورد. به قول سیدآبادی، به احتمال زیاد اگر تروریستانی که خشونت می‌آفرینند و آدم می‌کشند و تباهی به بار می‌آورند کتاب می‌خواندند و در معرض دیدگاه‌های گوناگون قرار می‌گرفتند، کارشان به این‌جا کشیده نمی‌شد و شهروندان مفید جامعه می‌بودند.

شاید عده‌ای از افراد از روی ساده‌اندیشی یا کم‌سوادی، تصور کنند که کتاب خواندن به جز این‌که سرگرمی بیافزیند ارزش دیگری ندارد. بعضی دیگر هم هستند که فکر می‌کنند اینترنت می‌تواند جای‌گزین خوبی برای کتاب باشد و حالا روزگار کتاب و کتاب‌خوانی سپری شده است. بی‌تردید دنیای آنلاین مزایا و فواید خود را دارد، ولی هرگز نمی‌تواند از اهمیت کتاب بکاهد. کتاب خوب ما را قادر می‌سازد تا به‌گونه عمیق و چندجانبه یک مسأله را بکاوییم و نظرات مختلف را درباره یک موضوع بررسی و ارزیابی کنیم. اگرچه این را هم باید متذکر شد که تمیز سره از ناسره و جدا کردن کتاب سودمند از کتاب ناسودمند به مهارت‌هایی نیاز دارد که باید آن را با ممارست و آزمون و خطا حاصل کرد. پژوهش‌های میدانی ثابت کرده که افراد کتاب‌خوان قدرت همدلی بیشتری دارند و می‌توانند حرف‌ها و نظرات دیگران را بشنوند بدون آن‌که ناراحت شوند یا از دیدگاه‌های مخصوص خود دست بکشند. کتاب‌های شعر و رمان، ظرفیت تخیل خواننده‌گان را بالا می‌برد و به آن‌ها فرصت می‌دهد تجربیات دیگران را درونی و به تجربه زیسته خود تبدیل

از مخالفان یا همان دشمنان، قادر خواهند بود که احساسات و عواطف پیروان را تحریک کنند و فاصله میان خود و رقیبان را بیشتر سازند و نگذارند حرف‌های رقیب به گوش پیروان‌شان برسد. آن‌ها این‌طور تلقین می‌کنند که در حال حاضر مشغول «جنگ فکری» هستند و باید از همه ابزارهای لازم برای برنده شدن در یک جنگ تمام‌عیار استفاده کنند. یکی از این ابزارها تبلیغات و پروپاگندا است. شبکه‌های اجتماعی یکی از تربیون‌های اصلی بنیادگرایان برای پروپاگندا، ترویج ایده‌ها و جلب و جذب نیروی تازه‌نفس است. بنیادگرایان و افراطی‌ها به درستی می‌دانند که کاربران شبکه‌های اجتماعی غالباً افرادی هستند که می‌توان به آسانی تحت تأثیر قرارشان داد و با سامان‌دهی کمپاینی مجازی از آن‌ها سربازگیری کرد. احزاب و گروه‌های رادیکال، هرگز سراغ افرادی که کتاب‌خوان واقعی هستند و به مطالعه ژرف علاقه‌مندند، نمی‌روند. این احزاب و گروه‌ها از استدلال‌ورزی و زورآزمایی منطقی خوش‌شان نمی‌آید؛ چون می‌دانند که اگر قرار به استدلال کردن و منطق تراشیدن باشد، کمیت آن‌ها در این عرصه لنگ است. از نظر این جریان‌ها، فقط چند تا کتابی که سازمان و حزب مقرر کرده ارزش مطالعه دارد.

رادیکال‌ها و تمامیت‌گرایان، دوست دارند همه چیز را به سیاه و سفید تقسیم کنند. در چنین فضایی، آن چه رواج می‌یابد و نهادینه می‌شود، روحیه تعصب و جزم‌گرایی و انحصارطلبی است. همه ما این داستان را شنیده‌ایم که در دوران جهاد و تهاجم ارتش سرخ به افغانستان، مخصوصاً در سال‌های اول این تهاجم، کافی بود که در خانه کسی کتابی متعلق به نویسندگان جریان نهضت اسلامی یافت شود تا عساکر رژیم کمونیستی وی را به زندان بیندازند و حتا سر به نیست کنند. حتا در آن زمان،



محمد عماره که این روزها سالروز وفات او است، از محققان اسلام‌گرای شناخته‌شده مصری است. آثاری که از او برجا مانده، وی را پژوهش‌گری توانمند در زمینه تاریخ اندیشه اسلامی نشان می‌دهد؛ هرچند طبعاً درباره پژوهش‌هایش می‌توان چون‌وچرا کرد. عماره در جایی از مصاحبه‌اش با شبکه الجزیره که پس از مرگش انتشار یافته، به نکته جالب توجهی اشاره می‌کند. می‌گوید در برهه‌ای از عمرش می‌بایست تصمیم می‌گرفت که به اخوان‌المسلمین بپیوندد یا به حزب ملی‌گرای مصر جوان. پس از محاسبه‌گری و سنجش به این نتیجه رسید که بهتر است عضویت حزب مصر جوان را به دست آورد. کسانی که با افکار محمد عماره آشنایی دارند، به خوبی می‌دانند که او از نظر فکری به سازمان اخوان‌المسلمین شدیداً نزدیک بود. از این‌رو، سوالی که پیدا می‌شود این است که چرا او ترجیح داد به حزب ملی‌گرای جوان بپیوندد؟ محمد عماره خود در مصاحبه یادشده به این سوال پاسخ می‌دهد. می‌گوید که اخوان‌المسلمین به مطالعه کتاب‌های بیرون از برنامه حزبی خود روی خوش نشان نمی‌داد و او که به شدت مشتاق کتاب‌خوانی بود، نمی‌توانست این مقررات سازمانی را تحمل کند و به همین دلیل، ترجیح داد در چارچوب حزب مصر جوان فعالیت کند.

نیازی به پژوهش گسترده و همه‌جانبه نیست تا به این نکته دست یابیم که همه احزاب و گروه‌های تمامیت‌گرا و رادیکال، چپی یا راستی، به نحوی با «مطالعه عمیق» مخالفت می‌کنند و اجازه نمی‌دهند اعضای آن‌ها به منابعی دسترسی یابند که شعارها و ادعاهای این احزاب و گروه‌ها را به چالش بکشد و تخطئه کند. این قبیل احزاب و گروه‌ها تمایل دارند که پیروان‌شان را شست‌وشوی مغزی دهند و آماده هر نوع فداکاری و جان‌نثاری در راه حزب و سازمان بسازند. در صورتی که هواداران این احزاب و گروه‌ها در معرض افکار دیگر قرار گیرند، این خطر وجود دارد که دچار تردید شوند و حاضر به قربانی دادن در راه اهداف حزب و سازمان نباشند. رهبران این‌گونه احزاب و سازمان‌ها با پیروان خود به‌عنوان اشخاصی که عاقل و بالغ نیستند و بدون رهنمایی رهبران، قدرت تصمیم‌گیری ندارند، برخورد می‌کنند.

افراطی‌های ایدیولوژیک همواره در تلاش‌اند فضایی مینیمالیستی ایجاد و از مخالفان خود چهره‌ای کاریکاتوری و هیولایی ترسیم کنند. آن‌ها با این کار می‌خواهند پیروان خود را قناعت دهند که افکار و اندیشه‌های مخالفان، ارزش مطالعه و هدر دادن وقت را ندارد. در گفت‌وگو با بنیادگرایان، دشمن حضور همیشه‌گی دارد. بنیادگرایان می‌دانند که تنها با توسل با غیریت‌سازی و ترسیم تصویری زشت

## ریچارد بنت...



### کوچ‌های اجباری و بی‌جاشده‌گان

در گزارش تازه ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر، آمده که نزدیک به یک هزار خانواده از دایکندی به‌گونه اجباری کوچ داده شده‌اند. بر بنیاد اطلاعات این گزارش، طالبان تنها در ماه سپتامبر ۲۰۲۱ از ۱۵ روستا در ولایت‌های دایکندی و ارزگان حدود دو هزار و ۸۰۰ هزاره را به‌شکل اجباری کوچ داده‌اند. در گزارش ریچارد بنت آمده است تا ماه نوامبر ۲۰۲۲ حدود شش میلیون شهروند افغانستان به گونه‌های مختلف آواره شده‌اند. به گفته او، از میان ۹.۵ میلیون تن آواره، ۶۸ درصد آنان در اثر جنگ و خشونت و ۳۲ درصد آنان در اثر حوادث طبیعی از مناطق رهاشی بی‌جا شده‌اند.

### عدم حاکمیت قانون در رژیم طالبان

در گزارش ریچارد بنت گفته شده که طالبان دادستانان را به حاشیه رانده و قاضیان را به‌طور سیستماتیک سبک‌دوش کرده‌اند. در این گزارش آمده که یک قاضی همزمان نقش دادستان و قاضی را ایفا می‌کند. بر اساس ادعای گزارش، این امر تخطی آشکار از اصل محاکمه عادلانه به حساب می‌رود. آقای بنت در گزارش خود آورده است که زنان در دسترسی به محاکم با محدودیت شدید مواجه‌اند. قضات زن و اشخاصی که به مذهب شیعه تعلق داشته‌اند، از وظایف‌شان عزل شده و زنان به مشاور حقوقی دسترسی ندارند. در این گزارش تصریح شده که نبود سیستم فعال حقوقی و وضاحت وظایف و مکلفیت‌های نهادهای حقوقی، مردم را مجبور ساخته تا به جرگه‌های قومی و مذهبی مراجعه کنند که فاقد دانش حقوقی‌اند و اکثراً به حقوق زنان، کودکان و اقلیت‌ها ارجح نمی‌گذارند.

### سرکوب و تنگ شدن فضای مدنی

گزارشگر ویژه حقوق بشر از تنگ‌تر شدن فضای مدنی در افغانستان شدیداً ابراز نگرانی کرده است. او گفته است که مدافعان حقوق بشر، فعالان جامعه مدنی و خبرنگاران با فشارهای گسترده روبه‌رو هستند. به گفته او، فعالان مدنی با تهدیدات زیادی از جمله دریافت تماس‌های تلفنی، بازجویی منازل، حملات فیزیکی و لفظی و بازداشت‌های خودسرانه روبه‌رو هستند. گزارشگر حقوق بشر گفته است که در سال ۲۰۲۲ حدود ۷۶ کارکن نهادهای حقوق بشری از سوی طالبان بازداشت شده‌اند. او خواستار توقف فوری آزار و اذیت کارکنان این نهادها شده است. همچنان گزارشگر ویژه حقوق بشر گفته است که طالبان پالیسی‌های محدودکننده‌ای بر اجتماعات مسالمت‌آمیز وضع کرده‌اند که منجر به بازداشت و زندانی شدن راه‌پیمایان می‌گردد. بر اساس گزارش او، طالبان در پراکنده ساختن راه‌پیمایان متوسل به زور شده‌اند.

او دورنمای مطبوعات آزاد در افغانستان را وخیم توصیف کرده و گفته است که خبرنگاران با خطر نظارت، فشار، تهدید، خشونت و بازداشت روبه‌رو هستند. بر اساس این گزارش، از اسد سال گذشته خورشیدی به این سو ۲۴۵ مورد نقض آزادی مطبوعات ثبت شده که شامل ۱۲۰ مورد بازداشت از چند ساعت تا چند ماه می‌شود.

### شکنجه غیرنظامیان و قتل اسیران جنگی در پنجشیر

ریچارد بنت به گزارش‌ها و اسناد معتبر دست یافته که قتل‌های فراقانونی اسیران جنگی، شکنجه و ناپدید شدن افراد وابسته به جبهه مقاومت ملی را نشان می‌دهد. به گفته بنت، خانه‌های غیرنظامیانی که طالبان آنان را وابسته به جبهه مقاومت ملی می‌دانند،

تلاشی می‌شوند و خود آن‌ها مورد بازداشت و شکنجه قرار می‌گیرند. او گفته است که از ماه جولای ۲۰۲۲ به این سو، از میان ۱۲۹ باب مکتب در ولایت پنجشیر، ۲۴ باب آن قسملاً توسط طالبان اشغال شده‌اند. طبق گزارش ریچارد بنت، محدودیت‌های گشت‌وگذار و قیود شب‌گردی طالبان رسیده‌گی به زراعت و مال‌داری را متاثر و زنده‌گی مردم محل را دشوار ساخته است. او همچنان تصریح کرده که طالبان به باشنده‌گان محل هشدار داده‌اند که در رسانه‌های اجتماعی چیزی را به نشر نرسانند و نیز به‌گونه پیوسته از سوی طالبان مورد بازرسی قرار می‌گیرند.

ریچارد بنت در بخشی از گزارش خود به وضعیت پنجشیر پرداخته و خاطرنشان ساخته است: «جوانان به‌شکل سیستماتیک در جریان تلاشی خانه‌های‌شان از سوی طالبان با دستگیری اجباری، بازداشت و غارت اشیای گران‌بها مانند طلا و پول نقد روبه‌رویند.»

گزارشگر ویژه حقوق بشر به مدارکی دست یافته که بازتاب‌دهنده ازدواج اجباری و ازدواج‌های زیر سن از سوی طالبان است. در گزارش گفته شده که والی طالبان برای پنجشیر به گزارشگر ویژه اعتراف کرده که امکان دارد تخلفات صورت گرفته باشد.

### وضعیت کودکان در زیر حاکمیت طالبان

ریچارد بنت در گزارش تازه‌اش آورده است که کودکان از تغییر نظام سیاسی در افغانستان شدیداً متاثر شده‌اند. بر بنیاد این گزارش، با فروپاشی خدمات حمایت از کودکان و رفاه اجتماعی، وضعیت اقتصادی وخیم شده و در نبود کارت تولد و شناس‌نامه، کودکان با خطر و آسیب‌پذیری بیشتر و سوءاستفاده جنسی و اقتصادی روبه‌رو هستند. بر اساس یافته‌های این گزارش، حدود یک هزار و ۸۵۵ مورد تخلف شدید در برابر کودکان از جنوری تا سپتامبر ۲۰۲۲ صورت گرفته است. به گفته بنت، او به گزارش‌هایی دست یافته که افزایش قابل ملاحظه‌ای در میزان استخدام و سوءاستفاده از کودکان به‌عنوان سرباز در صفوف طالبان را نشان می‌دهد.

ریچارد بنت از بازداشت، شکنجه و به قتل رساندن نیروهای پیشین امنیتی از سوی طالبان نیز ابراز نگرانی کرده و گفته است که این گروه باید به فرمان عفو عمومی متعهد باشد و از کشتار و بازداشت نیروهای پیشین امنیتی دست بردارد.

این گزارش در حالی منتشر می‌شود که وضعیت حقوق بشری در افغانستان به‌شدت به و خامت گراییده است. بر اساس اطلاعات و گزارش‌های روزنامه ۸صبح، طالبان در جریان یک سال گذشته پیوسته غیرنظامیان، افراد وابسته و متهم به عضویت در جبهه مقاومت ملی، خبرنگاران و فعالان مدنی و حقوق بشری، زنان و دختران معترض را بازداشت و شکنجه کرده و به قتل رسانده‌اند. این گروه روزانه غیرنظامیان را از ولایت‌های مختلف به‌ویژه از شهر کابل بازداشت می‌کند و به جاهای نامعلومی انتقال می‌دهد. بر اساس گزارش‌های مستند روزنامه ۸صبح، این گروه در جریان سال جاری حدود ۷۲ تن از اسیران جنگی را در ولایت پنجشیر و ۲۲ تن دیگر را در ولایت بدخشان تیرباران کرده‌اند و نیز ده‌ها اسیر جنگی و غیرنظامی را در اندراب‌های ولایت بغلان و ولسوالی بلخاب ولایت سرپل تیرباران کرده‌اند.

## روزنه امید در اوج ناامیدی؛

# دوخواهر هراتی باهزینه شخصی کارگاه آموزش خیاطی راه‌اندازی کرده‌اند



۸صبح، هرات

طالبان از بدو تسلط بر افغانستان تاکنون محدودیت‌های زیادی علیه زنان وضع کرده‌اند. این گروه پس از حاکمیت بر افغانستان درب مکاتب بالاتر از صنف ششم را به روی دختران بسته‌اند. در حال حاضر رفتن زنان به پارک‌های تفریحی ممنوع است و حتا درب حمام‌های زنانه به روی آنان مسدود است. طالبان در آخرین فرمان منسوب به رهبر این گروه، دختران و زنان را از رفتن به دانشگاه منع و از کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی نیز جلوگیری کرده‌اند.

پس از سقوط رژیم دور قبلی طالبان و روی کار آمدن نظام جمهوری در افغانستان، حضور زنان در سیاست، اقتصاد و اجتماع بیشتر شد و به مرور زمان، زنان زیادی در افغانستان توانستند از لحاظ برابری و کار به‌ویژه در بزرگ‌شهرهای کشور جایگاه مناسبی را اشغال کنند. در اواخر دوره جمهوریت حضور زنان در بخش‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کار در اداره‌های دولتی به‌گونه گسترده‌ای افزایش یافته بود؛ اما سقوط نظام و تسلط دوباره طالبان بر کشور دستاوردهای چندین‌ساله زنان در بخش‌های توان‌مندسازی از بین رفت. زنان به‌عنوان شهروندانی که دارای حقوق مشخصی هستند، از جامعه حذف شده‌اند. طالبان محدودیت‌های زیادی علیه زنان وضع کرده‌اند و در فرمان‌های جداگانه درب مکاتب و دانشگاه‌ها را به روی زنان بسته و کار آنان در موسسه‌های داخلی و خارجی را منع کرده‌اند.

پس از وضع این محدودیت‌ها زنان زیادی خانه‌نشین شده‌اند و روز خود را به دشواری شب می‌کنند. در میان این ناامیدی‌ها اما دو خواهر به نام‌های یلدا یوسفی و مریم یوسفی با بودجه شخصی خود یک کارگاه آموزشی خیاطی را برای دختران محروم از آموزش راه‌اندازی کرده‌اند. این کارگاه حرفه‌ای از دو ماه به این سو زیر نام «فانوس» فعالیت دارد و به دختران و زنان هنر دوخت لباس‌های زنانه را آموزش می‌دهد.



یلدا یوسفی که با خواهرش این آموزشگاه خیاطی ویژه بانوان را تاسیس کرده، خودش دانشجوی رشته قابله‌گی بوده است. او در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «ما دو خواهر هستیم که با همکاری هم دیگر مسوولیت تدریس هم‌نسلان خود را بر دوش داریم. این آموزشگاه مخصوص بانوان است. ما یک دوره آموزشی خیاطی را رایگان برگزار کردیم و حالا بیش از ۶۰ تن در این‌جا آموزش می‌بینند.»

یلدا یوسفی می‌افزاید که این آموزشگاه به منظور رشد و حمایت از فعالیت‌های زنان در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده است تا با استفاده از ظرفیت‌ها و توان‌مندی‌های زنان در عرصه‌های خیاطی، خامک‌دوزی و بافنده‌گی، حضور و اشتراک این قشر در جامعه بالارزش و معنادار شود. خانم یوسفی علاوه می‌کند: «از طریق این روزنه بتوانیم سبب اشتغال‌زایی برای زنان در جامعه شویم تا باشد که دست همکاری

و یاری داده باشیم.» تاسیس‌کننده‌گان این کارگاه خیاطی توضیح می‌دهند که برای این کارگاه یک تعمیر را به کرایه گرفته و در دو ماه گذشته بیش از ۳۰ هزار افغانی هزینه کرده‌اند. به گفته آنان، کرایه ماهانه این تعمیر پنج هزار افغانی است و در کنار کرایه باید رخت، تار و وسایل دیگر خرید کنند.

دختران جوان و زنانی که در این کارگاه مصروف آموزش حرفه خیاطی هستند، از ایجاد به این کارگاه ابراز خرسندی می‌کنند. سهیلا، یکی از دخترانی است که در این کارگاه آموزشی خیاطی می‌آموزد. او دانشجوی دانشگاه هرات است که پس از بسته شدن درب دانشگاه‌ها به روی دختران به این کارگاه آموزشی آمده است. سهیلا در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گوید: «وقتی از رفتن به دانشگاه محروم شدیم، امید من کاملاً از بین رفت و خیلی ناامید شده بودم. از وقتی که به این‌جا آمده‌ام و خیاطی را شروع کرده‌ام، آهسته‌آهسته بهتر شده‌ام و امیدم به زنده‌گی بیشتر شده است.» سهیلا که از مبارزه برای رسیدن به آرزوهایش سخن می‌گوید، می‌افزاید: «موفقیت از راه علم درست که بهتر بود و محروم شدن از آن ما را ناامید کرد، اما تلاش ما از راه هنر نیز یک مبارزه است و به مرور زمان به آرزوهای خود می‌رسیم.»

راه‌اندازی این کارگاه آموزشی حرفه خیاطی برای دختران بازمانده از آموزش و خانم‌های خانه، با استقبال گرم از سوی فعالان حقوق زن در هرات مواجه شده است. فعالان حقوق زن راه‌اندازی چنین برنامه‌هایی را در شرایطی که زنان از حقوق اساسی‌شان محروم شده‌اند، گامی مثبت و ارزشمند توصیف می‌کنند.

فریبا سعیدی (نام مستعار) یکی از فعالان حقوق زن در هرات، به روزنامه ۸صبح می‌گوید، در شرایطی که همه دروازه‌ها به روی زنان بسته شده و هیچ راهی باقی نمانده است، چنین برنامه‌هایی در جهت توان‌مندسازی زنان سودمند واقع می‌شود. او می‌افزاید که زنان می‌توانند پس از سپری کردن یک دوره آموزشی، صاحب یک کار درآمدزا شوند. این فعال حقوق زن علاوه می‌کند: «این‌گونه برنامه‌ها در حالی که حق تحصیل و کار در نهادها و محیط بیرون از زنان گرفته شده، بسیار مفید است. زنان و دختران می‌توانند پس از فراگیری آموزش خیاطی از این طریق کسب درآمد کنند.»

طالبان از بدو تسلط بر افغانستان تاکنون محدودیت‌های زیادی علیه زنان وضع کرده‌اند. این گروه پس از حاکمیت بر افغانستان درب مکاتب بالاتر از صنف ششم را به روی دختران بسته‌اند. در حال حاضر رفتن زنان به پارک‌های تفریحی ممنوع است و حتا درب حمام‌های زنانه به روی آنان مسدود است. طالبان در آخرین فرمان منسوب به رهبر این گروه، دختران و زنان را از رفتن به دانشگاه منع و از کار زنان در موسسه‌های داخلی و خارجی نیز جلوگیری کرده‌اند. با وجود فشارهای کشورهای و سازمان‌های جهانی، طالبان هنوز هم از وضع محدودیت‌های دست‌وپاگیر بر زنان دست برنداشته‌اند.

# قوانینے که از هتلر برای طالبان یادگار مانده است



مریم بارز انس

«وقتی بحث از حکومت‌های توتالیتر در میان می‌آید، بحث قوم، ارزش‌ها، مذهب و تمدن رنگ می‌بازند. این‌جا فقط یک قانون حاکمیت می‌کند؛ «ظلم» و حاکم یک هدف نهایی دارد و آن هدف در دست داشتن و حفظ قدرت و به دست گرفتن اختیار همه اقدار؛ فرقی نمی‌کند حکمران می‌خواهد کدام ایدیولوژی را پیاده کند، حالا این حاکم توتالیتر می‌تواند یک ناسیونالیست باشد یا یک رهبر مذهبی.»

(هانا آرنه، آیشمن در اورشلیم)

با این عقیده آن‌چه امروز بر سر زنان افغانستان جاری است، کمتر از اعتقاد یهودستیزانه هتلر نیست. مطابق آن‌چه در کتاب هانا آرنه آمده، هتلر برای پاک‌سازی یهودیان از ساختار آلمان سه مرحله را انجام داده است: اخراج، تجمع و کشتار. به این طریق خود را من حیث قهرمان و ابرمرد هولوکاست ثبت تاریخ جهان کرده است. آن‌چه قابلیت قیاس را دشوار می‌کند، این است که هتلر یهود، کمونیست و دیگر «غیرهتلرباوران» را به‌خوبی تشخیص شب از روز می‌توانست تشخیص دهد. هتلر و حکومت هتلری به‌راحتی می‌توانست یک خانواده یهود را از اجرای مراسمی چون «پسح، شاول، روش هسانا یا اشتراک در مناسبت یوم کیپور» تشخیص دهد و بعد به سمت اخراج و تجمع و بالاخره راه‌حل نهایی (کشتار) سوق دهد. چیزی که سخت هتلر افغانی ما را کلافه کرده، همین موضوع است که چگونه زنان را از جامعه باید می‌رانند. این‌جا آیشمن، هس و هم‌لر نداریم تا راه تصفیه جنسیتی را برایش نشان دهد؛ اما خبره‌های بهتر از ایشان در بطن پوسیده افکار پرورش یافته و در دامان تعصب بزرگ شده را داریم که بر این مرد «هزار فرمان بی‌تصویر» راه را نشان دهند تا چگونه جامعه را به فلاکت و از دیدگاه خودشان به فضایل اخلاقی سوق دهند. آن‌چه مکتوب‌وار آرزو و داشته‌های نصفی از نفوس

جامعه را از آن‌ها می‌گیرد و وعده دوباره پس دادن آن‌ها را به حکم ثانی موکول می‌کند، این‌گونه مرحله‌به‌مرحله صورت می‌گیرد.

راه‌حل اول: بسته کردن مکتب، دانشگاه و مراکز آموزشی؛ راه‌حل دوم: طرد و اخراج مأموران از وظایف و دفاتر کاری؛

راه‌حل سوم: ممنوع‌الخروج کردن دختران برای کار و تحصیل در خارج از کشور. متأسفانه راه‌حل نهایی (کشتار) را نداریم؛ چون این زنان هر کدام دختر، خواهر و مادر همین جامعه با دین مشترک و اقوام در هم تنیده‌اند. اگر این زنان مربوط قوم خاص و یا عقیده خلاف هتلر افغانی بودند، طبیعتاً این راه‌حل بهترین راه برای تصفیه کلی جامعه از وجود زنان بود.

اما برای من و هزاران دختر بزرگ‌شده با کتاب، درد اختناق و خفه شدن با گاز در دوره هتلر هیچ تفاوتی

با خفه کردن صداها در گلو و حذف داشتن دنیای مستقل از خودمان ندارد. شاید اخراج از این معرکه بهترین حالت ممکن برای هزاران دختر تحصیل‌کرده باشد که دیپلوم‌های دانشگاه را روی تاقچه بلند گذاشته و هزاران بار افسوس سرمایه و وقت بربادرفته‌اش را می‌خورند. یا هم شاید دخترانی که با هزار امید درس خواندند، بر کتاب‌های خوانده‌شان که هیچ شباهتی با دنیای واقعی‌شان ندارند، لعنت می‌فرستند. با این حال، آنانی که بستن مکتب و دانشگاه را قانونی برای حفظ عفت‌مان می‌خوانند و ماندن در خانه را مصونیت زن می‌دانند، چه‌قدر مردن روح جامعه را تصور می‌توانند؟

آیا محدود کردن زنان در چهاردیواری خانه جوابگوی چالش‌های درونی جامعه بوده می‌تواند؟

اگر هتلر را هر انسان آزاده‌خو مایه ننگ انسانیت می‌پندارد و سلاخی و بی‌رحمی هولوکاست یا تصفیه

## بی‌سرنوشتی خبرنگار نابینای افغانستان در ایران؛

# نگیالی: نهادها و کشورهای حامی فراموشم کرده‌اند

۸ صبح، تهران

نزدیک عصر است و برای پیدا کردن راه نجات از سرنوشت مبهم، تلاش می‌کند. تلاش بام تا شام خبرنگار نابینایی که حدود ۱۰ ماه می‌شود ادامه دارد، اما نتیجه مثبت نداشته است. تلاشی که تنها به فرستادن نامه‌های الکترونیکی به نهادها و کشورهای حامی خبرنگاران، محدود شده است. این خبرنگار نابینا دست‌کم ۱۱ سال در رسانه‌های صوتی و تصویری در ولایت‌های شمال کابل وظیفه اجرا کرده، اما به دلیل تهدیدات امنیتی و سرنوشت مبهم نابینایان در کشور، به ایران آواره شده است. او که بر بنیاد وعده نهادها و کشورهای حامی خبرنگاران مبنی بر انتقالش به یکی از کشورهای اروپایی به ایران آمده، در حال حاضر به فراموشی سپرده شده است. این خبرنگار نابینا خواستار رسیدگی جدی به پرونده خبرنگاران در تبعید از سوی نهادها و کشورهای حامی خبرنگاران است.

نگیالی نوری نظامی، بیست سال پیش در پی انفجار ماین کارگذاری‌شده در ولایت پروان، بینایی یک چشمش را از دست داد. این خبرنگار چگونه‌گی نخستین روز نابینا شدنش را با روزنامه ۸ صبح بازگو می‌کند. او می‌گوید که بیست سال پیش زمانی که سرگرم بازی کودکان بود، در پی انفجار یک ماین کارگذاری‌شده بینایی یک چشمش را از دست داد. به گفته او، این ماین از جریان نبردهای دهه ۷۰ به‌گونه منفجر نشده در منطقه باقی مانده بود. او به دلیل نبود شفاخانه مدرن و امکانات درمانی پیش‌رفته، نزد یکی از دکتران محلی در روستای «توغیردی» از مربوطات مرکز ولایت پروان مراجعه کرده است.

نوری نظامی می‌افزاید که این دکتر بدون وسایل جراحی با «انور» اقدام به بیرون کردن چره ماین از چشم او کرده که در نتیجه چشم سالم نگیلی نیز بینایی‌اش را از دست داده است. این جوان پس از نابینا شدن با استفاده

مذهبی، عقیدتی و ایدیولوژیکی وی را تحریم می‌کند و عمل‌کردهای غیرانسانی او را همه تقبیح می‌کنیم، بعد هر دانشمندی از ظن خود علت‌هایی را برای این اعمال در وجود هتلر و هم‌سنگرانش ارزیابی می‌کند و سپس هیچ دین و کتابی برای توجیه اعمالش نمی‌یابد، مشکل روانی را تنها عامل کشتار میلیون‌ها یهود و کمونیست می‌داند.

اما ما برای رهبران کنونی افغانستان چه تعریفی می‌توانیم داشته باشیم؟ داعیه‌دار اسلام نوین و جدیدالاخترع که با سنت‌های مسخ‌شده قبیله‌ای تممید داده شده یا یک نام خالی که اصلاً وجود فزیکتی ندارد و بار هر گند اعتقادی را در این خندق می‌ریزد؟

بی‌گمان ضعف اقتصادی دوران آلمان هتلر و امروز افغانستان قابل قیاس است. چیزی که امروز می‌بینیم و روایت‌هایی که می‌خوانیم، هر کدام پیامدی از این حذف غرض‌آلود و متعصبانه جنسیتی است. حذف نیروی فعال کار به جرم زن بودن از صحنه اقتصاد و سیاست و اجتماع، اقتصاد تا گلو غرق در بحران را بیشتر

نابود می‌کند. برآیند این روند، اضافه شدن گداها در جاده‌های کشور و افزودن جوانان به صف بیماران زیر پل (معتادان)، تحصیل‌کرده‌های در فرار و بلعیده شدن جوانان تحصیل‌کرده از سوی آب‌های سیاه، خانواده غرق در خشونت و دختر پرعقده تحصیل‌کرده در خانه که نه انگیزه برای زن بودن و نه علاقه به پسری از نسل کسانی که آرزوهایش را رپوده‌اند را در خود می‌خواهد هضم کند، است. همچنان برآیند دیگرش سیاست مضحک و خنده‌داری است که براساس آن میزهای گرد رهبران جهان هر روزه با یاد افغانستان، به یاد قوانین عصر حجر می‌افتند و بر آن می‌خندند و بالاخره کما این‌که با این دیدگاه بر ۳۰ میلیون نفوس افغانستان حکم می‌رانند.

در پایان، من افغانستان کنونی را آلمان نازی، حاکمش را هتلر و مظلومیت زنان متدین افغانستان را مظلومیت یهودیان عصر هتلر می‌خوانم و به امید افغانستان آزاد، آباد و با مردم شاد، این روزها را سر می‌کنم.

حامی خبرنگاران را به توجهی در خصوص رسیده‌گی به پرونده خبرنگاران در تبعید متهم می‌کند و می‌افزاید که برخی از نهادها حتی کارکرد بیش از یک دهه او را نیز نادیده گرفته‌اند.

این خبرنگار نابینا اضافه می‌کند: «در این مدت همه‌روزه ده‌ها درخواست به نهادها و کشورهایی که اعلام پذیرش افراد آسیب‌پذیر افغانستان را کرده بودند، انجام می‌دهم، اما هیچ‌کدام‌شان توجه جدی نمی‌کند. حتی سازمان خبرنگاران بدون مرز (RSF) مرا از فهرست آسیب‌پذیر حذف کرده و گفته که جان خودت در خطر نیست. آیا این سازمان، می‌تواند ضمانت جان من را بکند؟» او همچنان می‌گوید: «در صورتی که سازمان خبرنگاران بدون مرز درخواست مرا نادیده بگیرد، مسوولیت جانی من بر دوش این سازمان خواهد بود.»

نگیالی نوری نظامی در حال حاضر در وضعیت بد اقتصادی و روحی قرار دارد. او که با بی‌سرنوشتی مطلق مواجه است، خاطرنشان می‌سازد: «هرچند به بخش‌های کمپیوتر بلدی کامل دارم، اما در این‌جا [ایران] به خاطر این‌که نابینا هستم، کسی برایم فرصت کار کردن را نمی‌دهد. برادر کوچکم هم به خاطری که زیر سن است، کار کرده نمی‌تواند. در ۱۰ ماه گذشته با مشکلات جدی اقتصادی مواجه بوده‌ام؛ چون در این‌جا کرایه خانه می‌دهم. مواد خوراکی هم خیلی قیمت است. دیگر حوصله‌ام سر رسیده است. نه این‌جا بوده می‌توانم و نه هم به کشور برگشته می‌توانم.» این خبرنگار نابینا، خواستار رسیدگی به پرونده پناهنده‌گی‌اش از سوی کشورها و نهادهای حامی خبرنگاران است.

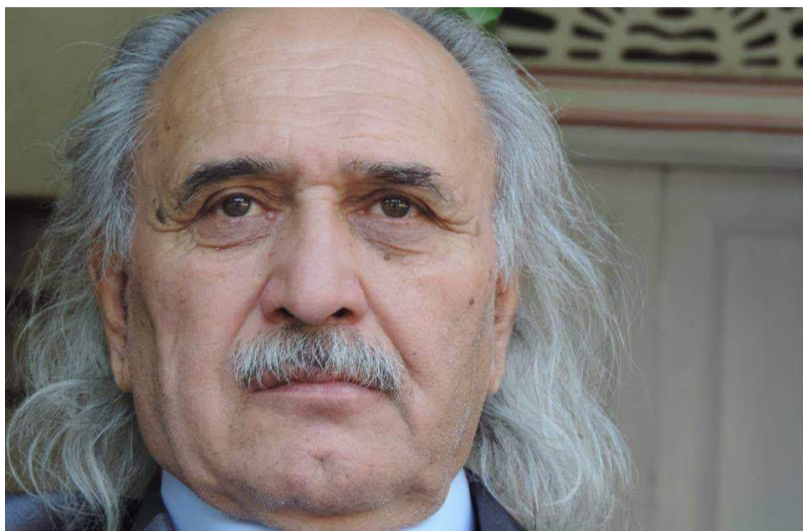
با این‌همه، تنها نگیلی نیست که به دلیل ترس از طالبان به کشورهای همسایه به‌ویژه ایران فرار کرده است، بلکه در حال حاضر بیش از ۸۰ خبرنگار و کارمند رسانه‌ای در ایران در بی‌سرنوشتی به سر می‌برند. به گفته این

خبرنگاران، نهادهای جهانی که به آنان وعده تخلیه از ایران را داده بودند، به تعهدات خود عمل نکرده‌اند.

آواره‌گی، نبود دورنما برای آینده، تمدید نشدن ویزا، مشکلات اقتصادی و خطر اخراج به افغانستان سبب شده که شماری از این خبرنگاران زیر فشارهای شدید روانی قرار بگیرند. آنان از کشورها و نهادهای حامی خبرنگاران می‌خواهند که به پرونده‌های‌شان رسیدگی کنند. گفتنی است که مرکز خبرنگاران افغانستان (ای.اف.جی.سی) در آخرین روز سال ۲۰۲۲ میلادی گزارشی را درباره چگونه‌گی وضعیت خبرنگاران و رسانه‌ها منتشر کرد. بر بنیاد این گزارش، وضعیت آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران در سال ۲۰۲۲ میلادی در افغانستان به‌شدت رو به وخامت نهاده و در کنار افزایش بی‌سابقه رویدادهای خشونت و تهدید خبرنگاران، فضای کاری برای رسانه‌ها به‌گونه جدی محدود شده است.

یافته‌های این نهاد همچنان نشان می‌دهد که آزادی رسانه‌ها که در دو دهه پسین در افغانستان به دست آمده بود، پس از تسلط طالبان بر کشور، به‌سرعت رو به محو شدن است. در گزارش مرکز خبرنگاران افغانستان همچنان آمده که این نهاد در سال ۲۰۲۲ میلادی دست‌کم ۲۶۰ رویداد نقض آزادی رسانه‌ها و خبرنگاران را ثبت کرده که شامل تهدید، بازداشت و برخورد خشونت‌آمیز می‌شود. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که بیشتر این رویدادها از سوی اداره‌ها و یا افراد منسوب به طالبان، به‌ویژه نیروهای امنیتی و استخباراتی این گروه صورت گرفته است. براساس این گزارش، از مجموع رویدادهای ثبت‌شده در سال ۲۰۲۲ میلادی در مرکز خبرنگاران افغانستان، دست‌کم ۱۱۹ مورد آن بازداشت موقت خبرنگاران از یک ساعت تا چندین ماه است و بیشتر این بازداشتی‌ها توأم با خشونت فزیکتی، روانی، توهین و تحقیر بوده است.

# دیداری با پیرروشنه فروش



پرتو نادری

به کوه که نگاه می‌کنم، در شکوه بلند او گم می‌شوم. نسیمی با زمزمه غریبی از کنارم می‌گذرد. یک لحظه حس می‌کنم که کسی در آن دورهای دور، در بلندی کوه نشسته و سال‌های درازی است که ارغنون می‌نوازد و می‌خواهد کوهستان را با زمزمه ارغنون تنهایی خود آشنا سازد.

پژواک صدای کسی را می‌شنوم که بال در بال زمزمه نسیم شام‌گاهی و نغمه ارغنون تنهایی می‌خواند:

\*\*\*

چه کوه آینه‌ی عالی‌نگاهان  
شکوه عزت گردون‌کلاهان  
عروج قصر همت پایه‌ی او  
بلندی‌ها، زمین سایه‌ی او  
سر رفعت ز بس بر آسمان سود  
ز تیغ او نیام کهکشانش سود  
ز راهش گر نشان پرسی نشان کو  
به اوج قصر گردون نردبان کو  
مگو ای بی‌خبر سنگ است این‌جا  
هزار آینه در زنگ است این‌جا

\*\*\*

به چهار سوی خود نگاه می‌کنم. افق‌ها روشن‌اند، سرخ و گلگون، شاید خون‌آلود. این بار حس می‌کنم صدایی از آن سوی افق‌های سال‌های دور در گوشم می‌پیچد:

\*\*\*

چه گویم زین شفق‌های جهان‌تاب  
که آتش هم نمی‌باشد بدین تاب  
ندارد آفتاب این در گرفتن  
جهان را این‌قدر در زر گرفتن  
کدامین ناله بر اوج فلک تاخت  
که این آتش به جان عالم انداخت  
بیان در وصف او ناقص کمند است  
عبث دامن مزین آتش بلند است  
کدامین بسمل این‌جا پریشان شد  
که خوشی رفته‌رفته آسمان شد

\*\*\*

به کوه که می‌بینم، دل تنگ می‌شوم، چون دیگر یارای رفتن ندارم. روی تخته‌سنگی می‌نشینم و به خورشید نگاه می‌کنم. به نظرم می‌آید که خورشید نیز دل تنگ است.

در ذهنم می‌گذرد که خورشید نیز پیرمردی است که هزاران هزار سال می‌شود شاهد بیدادگری‌های خونینی در روی زمین بوده است و هنوز هم هر روز بیدادگری‌های تازه‌ای را تماشا می‌کند.

خورشید آرام‌آرام در آن سوی، در پشت کوهی، به گفته کودکان به خانه خود می‌رود و جامه رنگین و ابریشمین روشنی از شانه‌های کوهستان‌ها و تپه‌ها به دنبال او پرواز می‌کند.

من می‌مانم و تاریکی و وزش نفس‌های هراس‌انگیز او که از دل دره‌ها به سوی قله‌ها بالا می‌آید. ناگهان روشنایی کم‌درخششی را می‌بینم که چنان گل سرخی از آن سوی تپه می‌شگوفد. به سوی من می‌آید و نزدیک می‌شود. پیرمرد را می‌بینم؛ همان یار همیشه‌گی خود را که با روشنایی کوچکی در میان دستانش، نفس سوخته بالا می‌آید. چون به من نزدیک می‌شود، می‌پرسم: پیرمرد! چگونه راحت به سوی کوهستان افتاده است، آن هم در این شام‌گاه تاریک؟ بی‌آن که پاسخی بدهد، می‌گوید: تو خودت این‌جا به چه کار آمده‌ای؟

به آن کوه بلند اشاره کردم و گفتم: هوای رفتن به کوه را داشتم. تا این‌جا که رسیدم، دیگر یارای رفتن ندارم. تبسم معناداری روی لبانش می‌شگفد و من باز می‌پرسم: نگفتی، چگونه به سوی کوهستان گذرت افتاد؟

گفت: به دیدار «پیر روشنی‌فروش» می‌روم. گفتم: خود که روشنی در میان دستانت داری؟ با تلخی می‌گوید: این، آن روشنی‌ای نیست که پیر روشنی‌فروش می‌بخشد. این کرم شب‌تاب است؟ یک لحظه نمی‌دانستم چه بگویم، با شگفتی گفتم: کرم شب‌تاب!

گفت: هاها، کرم شب‌تاب است، کرم شب‌تاب! من خودم هم یک کرم شب‌تابم. به دور و پیش خود نگاه کن که چه سیاه‌کاران سیاه‌پندار را، چه سیاه‌اندیشان سیاه‌اندرون را و چه تاریک‌اندیشان روشنی‌دشمن را که ذره‌ای از روشنی در ذهن و روان ندارند، به نام روشن‌فکر، تهمتن زمین و ستاره آسمان می‌سازند. چگونه به یاد نداری که بوزینه‌گان روزگار، زمستان‌شان که سخت بیاید، پشته‌پشته روی همین کرم‌های شب‌تاب همیز تر می‌گذارند تا خود و خانواده خود را گرم کنند. گرم که شدند، چنان پیلان بدمست باز کرم‌های شب‌تاب را در زیر گام‌های خود له می‌کنند و به راه خود می‌روند.

کرم شب‌تاب که روشنی در ذات خود دارد، چرا کسی آن را روشن‌فکر نمی‌گوید، در حالی که هر شغال افتاده در خم رنگ می‌پندارد که نه شغال، بلکه طاووس باغ بهشت است.

لحظه‌ای خاموش ماندم. سخنان پیرمرد مرا از جای

برده بود. نمی‌دانستم چه بگویم که پیرمرد گفت: من رفتم، راه درازی پیش رو دارم! گفتم: لحظه‌ای!

ایستاد. با صدای بلند گفتم:

\*\*\*

سپیده پیر روشنی‌فروش دوره‌گرد  
ز کودکان کوچه‌های شهر شرق  
دو سکه خنده می‌ربود

به دست‌شان دو خوشه نور می‌نهاد

\*\*\*

چیزی نگفت و به سوی کُپسار روان شد. من باز صدا زدم:

\*\*\*

سیک‌تران در این کُپسار محمل  
مبادا شیشه‌ای را بشکنی دل

\*\*\*

ایستاد و رو به سوی من کرد. نزدیکش رفتم و گفتم: نگران من مباش! من راه خود را می‌یابم و هر دو دستش را کشود. دیدم شععی بر کف دست دارد.

گفت: می‌بینی این شمع است، نه کرم شب‌تاب. در روشنی این شمع راه می‌زنم.

به چشم‌هایش خیره شدم و دیدم که پیرمرد آرام‌آرام می‌گرید. گفتم: پیرمرد! چرا گریانی؟ متوجه باش که اشک‌هایت شمع را خاموش نسازند!

گفت: این اشک‌های من نیست، اشک‌های شمع است که از چشمان من می‌ریزند. شمع می‌سوزد و من به جای او می‌گریم تا تمام نشود.

سال‌ها شمع‌ها سوخته‌اند و گریسته‌اند و ما در روشنایی آنان خنندیده‌ایم. چنین بوده است که هیچ‌گاهی شمع ما و روشنی ما دوام‌دار نبوده و زود خاموش شده‌اند. ما گاهی قدر شمع‌های روشنی‌بخش خود را ندانستیم. گفتم: پس چرا این‌همه از کرم شب‌تاب سخن گفتی؟ با خسته‌گی گفت: باشد به زمان دیگر. راهم بسیار پیچیده و دور است، باید پیش از بامدادان به منزل برسم تا ببینم که پیر روشنی‌فروش چگونه روی دست‌ان کودکان شهر شرق، دو خوشه نور می‌گذارد و چگونه شهر از خنده‌های کودکان سکه‌باران می‌شود. پیرمرد رفت و در خم‌پیچ راه از نظر من ناپدید شد. باز من ماندم و تاریکی. یک بار صدای زوزه گرگان را شنیدم. تا بجنبم، دیدم که گرگان سیاه با دهان‌های کبود و خون‌آلود به دور من حلقه زده‌اند. از شکار تازه‌ای برگشته بودند. دندان‌های‌شان سرخ و خونین بود. بسیار ترسیده بودم. فکر کردم که همه چیز تمام شده است که یک بار یادم آمد:

\*\*\*

هزار دشت سرگردانی را برای او راه زده‌ام  
و در کوهستان‌ها آتش افروخته‌ام  
و از دریا‌های بی‌خویشتی گذشتم  
و سرود خوانان،  
ستاره‌گان را پرواز داده‌ام

\*\*\*

دایره‌ای از آتش روشن کردم. ماندم در میان دایره آتش و گرگان هر دو آن سوی آتش، نگاه‌های‌شان را بر زمین دوختند و یگان‌یگان از دایره روشن آتش دور می‌شدند.

با خود گفتم: گرگان از آتش می‌هراسند و آن‌جا که روشنایی پاسدار زنده‌گی باشد، دیگر هیچ گرگ هاری را توان نزدیک شدن نیست.

خیلی خسته شده بودم و در آن دایره نورانی، سرم را روی بازویم گذاشتم و با تنهایی خود به خواب رفتم. یک بار دستی روی شانه خود احساس کردم. چشم

کشودم، دیدم که پیرمرد با چهره خندان برگشته است.

از جای برخاستم، به چشم‌های پیرمرد نگاه کردم. چشمانش پر از نور و روشنایی بود. هیچ‌گاهی چهره پیرمرد را آن‌همه شادان و نورانی ندیده بودم.

به آن کوه بلند نگاه کردم، حس کردم که بلندتر و پرشکوه‌تر از روزها دیگر سر بر آسمان دارد و خورشید سرخ‌روی فراز سرش نورافشانی می‌کند.

گفتم: پیرمرد! چگونه شد؟ به منزل رسیدی؟ پیر روشنی‌فروش را دیدی؟

با خنده‌ای که گویی روشنی‌بخش می‌کرد، گفت: آری دیدمش. در کوچه‌های شهر شرق که می‌گشت، با هر کودکی که روبه‌رو می‌شد، دو خوشه نور روی دستش می‌گذاشت.

گفتم: دو سکه خنده چه؟ به کسانی که دو سکه خنده نداشتند، هم دو خوشه نور می‌داد.

پیرمرد، با نگاه معناداری به سویم دید. حس کردم که در دلش بر من می‌خندد و گفت: به گمانم هنوز زبان پیر روشنی‌فروش را نمی‌فهمی!

او تا با کودکی روبه‌رو می‌شد، با لبخند و مهربانی آن دو خوشه نور را روی دستش می‌گذاشت. بعد همه زنجیرهای دل‌تنگی در دل و روان کودکان می‌شکست و بلندبلند می‌خندیدند. همین خنده‌های کودکان، سکه‌های او بودند که می‌خواست.

دست در جیب کرد و دو خوشه نور بیرون آورد. لحظه شگفت‌انگیزی بود. یکی از خوشه‌ها را به سوی من دراز کرد و گفت این از تو است، بگیر تا که دور از همه دل‌تنگی‌های زنده‌گی، بخندی!

صدای خنده‌های ما بود که در دامنه کوهستان می‌پیچید. به نظرم آمد که تمام آسمان را کبوتران سپید پر کرده است.

گفتم: پیرمرد! تا جایی که من می‌دانم، پیر روشنی‌فروش خوشه‌های نور را روی دست‌ان کودکان می‌گذارد، نه روی دست‌ان پیرمردان؟ چگونه شد که به تو هم رسید؟

پیرمرد نگاه‌هایش را چنان به چشمانم دوخت که حس کردم دو تیر آتشین در دلم نشست است.

در حالی که می‌خواست خشم خود را پنهان کند، گفت: به گمانم این سر را در آسیا سپید کرده‌ای! همین گپ ساده را نمی‌دانی که در جهان دو گونه کودک وجود دارند: یکی کودک خردسال است و دیگر کودک سال‌خورده!

پیر روشنی‌فروش با هر کسی که روبه‌رو می‌شد، دو خوشه نور روی دستش می‌گذاشت و نمی‌خواست که کودکان سال‌خورده را دل‌شکسته سازد. آن‌گونه که من نخواستم ترا دل‌شکسته سازم!

گفتم: خودت چه؟ باز موح‌خنده‌های ما بود که در کوهستان می‌پیچید و چنان بود که گویی همه کوهستان به خنده آمده است.

خنده دراز ما که پایان یافت، پیرمرد گفت: برویم که آن پیرمرد دیگر گفته است: جهان تا جنبشی دارد رود هر کس به راه خود!

بعد هر دو به راه افتادیم و چنان هم‌سرایانی می‌خواندیم:

جهان تا جنبشی دارد رود هر کس به راه خود  
عقاب پیر هم غرق است و مست اندر نگاه خود  
نباشد هیچ کار سخت کان را در نیاید فکر آسان ساز  
شب از نیمه گذشته‌ست و خروس دهکده برداشته‌ست  
آواز

چرا دارم ره خود را رها من  
بخوان ای هم‌سفر با من!

سال شانزدهم  
شماره ۳۸۵۶  
یکشنبه  
۱۴ خوت ۱۴۰۱  
۵ مارچ ۲۰۲۳

مرکز مقابله با حوادث غیرمترقبه ترکیه (آفاد) از وقوع حدود ۱۳ هزار زمین لرزه طی یک ماه اخیر در این کشور و مناطق اطراف آن خبر داده است. خبرگزاری آناتولی روز شنبه، ۴ مارچ، به نقل از آفاد گزارش داده که از تاریخ ۶ فبروری تا ۴ مارچ سال روان میلادی، حدود ۱۳ هزار زمین لرزه در ترکیه و مناطق هم‌جوار آن رخ داده است. برپایه اطلاعات این نهاد ترکی، تعداد زمین لرزه‌هایی که به طور معمول در بازه زمانی شش ماهه ثبت می‌شود، پس از زلزله‌های اخیر در ترکیه ظرف یک ماه ثبت شده است. گفتنی است که آغاز زمین لرزه‌های ویران‌گر به شدت ۷.۷ و ۷.۶ درجه ریشتر در ترکیه و سوریه، ۶ فبروری سال روان میلادی بود که در اثر آن بیش از ۴۵ هزار تن جان‌هایشان را از دست دادند.

## گوترش: کشورهای ثروتمند باید سالانه ۵۰۰ میلیارد دالر به کشورهای فقیر کمک کنند



دبیر کل سازمان ملل متحد گفته است که کشورهای ثروت‌مند باید سالانه ۵۰۰ میلیارد دالر برای کمک به سایر کشورهایی که در «چرخه‌های معیوب» گرفتار شده‌اند، کمک کنند که مانع از تلاش آن‌ها برای تقویت

اقتصاد و بهبود بهداشت و آموزش می‌شود. انتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل متحد، این سخنان را روز شنبه، ۴ مارچ، در پنجمین نشست افتتاحیه اجلاس سران ۴۶ کشور کمتر توسعه‌یافته سازمان ملل (LDCs) در دوحه، پایتخت قطر، بیان کرده است. او از کشورهای ثروت‌مند جهان و غول‌های انرژی به دلیل سرکوب کشورهای فقیر با نرخ‌های بهره «غارت‌گرانه» و قیمت فلج‌کننده سوخت، انتقاد کرده است. گفتنی است که اجلاس سران ۴۶ کشور کمتر توسعه‌یافته معمولاً هر ۱۰ سال یک بار برگزار می‌شود؛ اما از سال ۲۰۲۱ تاکنون دو بار به دلیل همه‌گیری ویروس کرونا به تعویق افتاده است.

افغانستان و میانمار، دو کشور فقیر، در این نشست حضور ندارند؛ زیرا دولت‌های آن‌ها توسط اعضای سازمان ملل به رسمیت شناخته نشده‌اند.

## جنگ شدید در باخموت؛ وزیر دفاع روسیه از خط مقدم نبرد در اوکراین دیدن کرد



در حالی که نبرد کم‌پیشینه و پرتلفات این روزها در باخموت اوکراین جریان دارد، سرگئی شویگو، وزیر دفاع روسیه، از خط نخست جنگ در شرق اوکراین بازدید کرده است.

خبرگزاری فرانس پرس روز شنبه، ۴ مارچ، به نقل از وزارت دفاع روسیه گزارش داده است که سرگئی شویگو در جریان بازدید از خط مقدم جنگ، یک پاسگاه نیروهای این کشور را در منطقه دونتسک اوکراین بررسی کرده است.

ویدیویی که از سوی وزارت دفاع روسیه پخش شده، شویگو را در حال سفر با چرخبال و صحبت با یک سرباز در برابر یک ساختمان آسیب‌دیده نشان می‌دهد.

در همین حال، یوگنی پریگورین، رییس گروه واکنش، با نشر ویدیویی در تلگرام گفته که برای محاصره کامل باخموت، تنها یک جاده باقی مانده است.

روسیه مصمم به تصرف کامل شهر باخموت به‌عنوان یک هدف بزرگ نظامی در شرق اوکراین است. نظامیان اوکراینی اما تا کنون از این شهر با چنگ و دندان دفاع کرده‌اند.

## ایران ادعای توقیف کشتی حامل تسلیحات این کشور در خلیج عمان را رد کرد

کشور کشتی حامل تسلیحات مربوط به ایران را در دریای عمان توقیف کرده‌اند. براساس اطلاعات نشر شده، این تسلیحات شامل موشک‌های هدایت شونده ضد تانک و اجزای موشک‌های بالستیک میان‌برد بوده است. گفته می‌شود که این کشتی توسط یک هواپیمای بی‌سرنشین امریکایی شناسایی و از سوی یک چرخبال بریتانیایی ردیابی شده است. در مورد مقصد حرکت این کشتی حامل تسلیحات ایران چیزی گفته نشده است.

به دنبال نشر گزارش‌ها مبنی بر توقیف کشتی حامل تسلیحات نظامی ایران در خلیج عمان از سوی بریتانیا، سخنگوی وزارت امور خارجه ایران این ادعا را رد کرده است. حساب کاربری وزارت امور خارجه ایران در توئیتر روز شنبه، ۴ مارچ، در توئییتی به نقل از ناصر کنعانی، سخنگوی این وزارت، نوشته است: «کشورهایی که با ارسال میلیاردها دالر سلاح به ائتلاف متجاوز، موجب کشتار مردم یمن شده‌اند، نمی‌توانند با این اتهام‌زنی خود را تبریه کنند.» وزارت دفاع بریتانیا در روز پیش اعلام کرد که نیروهای این



## چین بودجه دفاعی اش را افزایش می‌دهد

رسانه‌های بین‌المللی گزارش داده‌اند که چین بودجه دفاعی اش را به هدف مقابله با چالش‌های امنیتی افزایش می‌دهد.

بلومبرگ گزارش داده که وانگ چائو، سخنگوی اجلاس سالانه قانون‌گذاری کنگره ملی چین روز شنبه، ۴ مارچ، در یک نشست خبری گفته است: «چین برای مقابله با چالش‌های امنیتی پیچیده و ایفای مسوولیتش به‌عنوان یک کشور بزرگ باید هزینه دفاعی خود را افزایش دهد.» هرچند چائو مبلغ مشخصی را به زبان نیاورده است، اما انتظار می‌رود که بودجه دفاعی چین روز یکشنبه هفته روان در نشست سالانه قانون‌گذاری کنگره ملی این کشور اعلام شود.

وانگ چائو تأکید کرده است که افزایش بودجه دفاعی چین تهدیدی برای هیچ کشوری نخواهد بود.

از افزایش بودجه دفاعی چین در حالی خبر داده می‌شود که این کشور با موجی از انتقاد کشورهای غربی به دلیل احتمال کمک نظامی به روسیه در جنگ اوکراین، مواجه است.

افزون بر این، با افزایش بودجه دفاعی چین، نگرانی‌ها از حمله این کشور بر تایوان بیشتر شده است.



## امریکا و پاکستان تا یک روز دیگر مذاکرات بر سر مبارزه با تروریسم را آغاز می‌کنند



مقام‌های پاکستانی خواهد بود. انتظار می‌رود که پس از سفر هیأت امریکایی به پاکستان، مبارزه با منابع مالی گروه‌های تروریستی از سوی واشنگتن و اسلام‌آباد افزایش یابد. این در حالی است که امریکا چند روز پیش اعلام کرد که برای عملیات بر ضد گروه‌های تروریستی فعال در افغانستان به اجازه طالبان نیاز ندارد. سفر هیأت امریکایی به پاکستان در حالی انجام می‌شود که دو کشور پیش از این نگرانی‌هایشان را از رشد و تقویت تروریسم در افغانستان ابراز کرده‌اند.

به دنبال افزایش حملات تروریستی خونبار در پاکستان، رسانه‌های این کشور از سفر قریب‌الوقوع هیأتی از امریکا برای آغاز گفت‌وگوهای دوجانبه میان واشنگتن و اسلام‌آباد بر سر مبارزه مشترک با تروریسم، خبر داده‌اند. دنیا نیز روز جمعه، ۳ مارچ، به نقل از اعلامیه وزارت امور خارجه پاکستان گزارش داده که این هیأت در روزهای ششم و هفتم ماه جاری میلادی در اسلام‌آباد خواهد بود. گفت‌وگو در مورد تهدیدهای تروریستی و مقابله با این تهدیدها محور اساسی دیدار هیأت امریکایی و

## رافایل گروسی:

## گفت‌وگو با مقام‌های ایران برای احیای توافق هسته‌ای سازنده بود

رییس اداره بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل متحد گفته است که در جریان سفرش به تهران، گفت‌وگوهای سازنده با مقام‌های ایرانی داشته است.

رافایل گروسی، رییس اداره بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل متحد، روز شنبه، ۴ مارچ، در یک نشست خبری مشترک با محمد اسلامی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران، گفته است: «ما با گفت‌وگوی سازنده و داشتن توافقی‌های خوب که مطمئنم خواهیم داشت، راه را برای توافقی‌های مهم هموار خواهیم کرد.»

این اظهارات گروسی در حالی بیان شده است که پیش از این نشریه بلومبرگ نیز از کشف یورانیوم با خلوص ۸۴ درصد در تاسیسات هسته‌ای ایران گزارش داده بود.

سفر دو روزه گروسی به تهران در حالی صورت گرفته که اداره بین‌المللی انرژی اتمی سازمان ملل مستقر در وینا در صدد همکاری بیشتر ایران در بخش فعالیت‌های هسته‌ای آن کشور است.

یک منبع دیپلماتیک به خبرگزاری فرانس پرس گفته است که گروسی با ابراهیم ربیسی، رییس جمهور ایران، نیز دیداری خواهد داشت تا گفت‌وگوهای هسته‌ای در سطح بالا از سر گرفته شود.